

۱۸ سال در تعقیب قاتل وکیل

۱۸ سال از آن روز می گذرد؛ روزی که تقی رمضان نیا، وکیل دادگستری در دفتر کارش در خیابان خوش به قتل رسید. روز ۱۵ اردیبهشت سال ۸۵ وقتی همسر این وکیل به دفتر شوهرش رفت با پیکر بی جان او مواجه شد و از آن زمان تحقیقات برای دستگیری عامل جنایت بی نتیجه مانده است.



معمای قتل دختر ۸ ساله

قتل دختری ۸ ساله در میگوین یکی از جنایتهایی است که با گذشت سال ها هنوز راز گشایی نشده است. این جنایت روز ۹ اسفند سال ۱۳۹۰ اتفاق افتاد و در جریان آن حدیثه ۸ ساله ناپدید و عصر همان روز جسد سوخته اش کشف شد. با وجود تلاش های گسترده و دستگیری یک مظنون راز این جنایت هیچ وقت بر ملا نشد.



تحقیقات در بعضی پرونده های جنایی گاهی سال ها طول می کشد

جنایتهای اسرار آمیز

بعضی پرونده های جنایی سر نوشت عجیبی دارند و شاید هیچ وقت اسرار شان بر ملا نشود؛ پرونده هایی که زبده ترین کار آگاهان پلیس هم از عهده راز گشایی از آنها بر نمی آیند و سال ها و شاید برای همیشه اسرار آنها سر به مهر باقی می ماند. در این پرونده به تعدادی از پرونده های جنایی که هیچ وقت راز گشایی نشده اند می پردازیم.

راز ۲۳ ساله



خردادماه سال ۱۳۸۰ دندانپزشکی به نام هاله در منطقه سعادت آباد به طرز مرموزی به قتل رسید و با اعلام این خبر گروهی از کار آگاهان پلیس خود را به محل وقوع جنایت رسانده و تحقیقات در این باره را آغاز کردند. او در حالی که روپوش سفیدی به تن داشت کنار لوازم پزشکی روی زمین افتاده و روسری ای که دور گلویش پیچیده شده بود نشان می داد که بر اثر خفگی جانش راز دست داده است. هر چند هیچ کدام از همسایه های مقتول متوجه سر و صدا یا تردد افراد مشکوکی نشده بودند اما شواهد به دست آمده در مطب دکتر نشان می داد که در آنجا درگیری اتفاق افتاده و بازنده این درگیری خانم دکتر بوده است. مأموران در ادامه از شوهر و شماری از بیماران هاله تحقیق و تلاش کردند از این معمای جنایی راز گشایی کنند اما هیچ کدام از این تلاش ها به نتیجه روشنی نرسید. در این بین خانواده مقتول مدعی بودند شوهر هاله پیگیر پرونده نیست و به او در این قتل مظنون هستند اما پلیس هیچ مدرکی علیه این مرد به دست نیاورد و شواهد نشان می داد که او بی گناه است. با اینکه مدت ها رسیدگی به این پرونده ادامه داشت اما با گذشت ۲۳ سال از وقوع این جنایت راز قتل خانم دکتر همچنان سر به مهر باقی مانده و معلوم نیست چه کسی و با چه انگیزه های او را به قتل رسانده است.

مرد اسرار آمیز دو کار آفرین

یکی از قتل های اسرار آمیزی که تاکنون پشت پرده آن بر ملا نشده قتل وکیلی به نام حمید حاجیان است. حاجیان، ششامگاه ۴ اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۸ همراه با خانمی از همکارانش در پارکینگ دفترش واقع در کامرانیه بود که هدف مهاجمان ناشناس قرار گرفت. هنگام حادثه، افراد مسلح با تیراندازی به سوی حاجیان و خانمی که همراه او بود، این وکیل دادگستری را به قتل رساندند و همکارش را مجروح کرده و تا یک قدمی مرگ پیش بردند. قتل حاجیان در شرایطی رخ داد که وکالت او در چند مورد از پرونده های مفاسد اقتصادی اذهان را به سوی متهمان این پرونده ها سوق می داد. این ظن و گمان از آنجا تقویت می شد که چند روز پیش از جنایت، حسین هدایتی، از شاخص ترین متهمان پرونده های مفاسد اقتصادی که مدتی موکل حاجیان بود در یکی از جلسه های محاکمه اش از حاجیان نام برده و گفته بود که ۵۰ میلیارد تومانش در دست این وکیل دادگستری است. در این شرایط بود که انگشت اتهام به سوی هدایتی نشانه گرفته شد و او که در گیر پرونده سنگینش در مجتمع قضایی رسیدگی به مفاسد اقتصادی بود برای انجام تحقیقات در قتل حاجیان به دادسرای امور جنایی منتقل شد اما باز پرس جنایی بعد از تحقیقات در این خصوص نتوانست به ادله ای مبنی بر دست



داشتن هدایتی در قتل حاجیان دست یابد. در شرایطی که این جنایت اسرار آمیز همچنان سر به مهر باقی مانده بود، گمانه زنی ها در این خصوص ادامه داشت. بررسی ها نشان می داد حاجیان علاوه بر هدایتی مدتی هم وکالت چند نفر دیگر از متهمان پرونده های مفاسد اقتصادی را بر عهده داشته است. او در سال های اخیر توانسته بود علاوه بر کار وکالت به کارهای اقتصادی دیگری نیز بپردازد. همان زمان اسدالله مسعودی مقام، قاضی رسیدگی کننده به پرونده حسین هدایتی درباره حاجیان گفت که این وکیل در معرض اتهام قرار داشت و حکم جلبش صادر شده بود. با گذشت مدتی از قتل حاجیان، پرونده او به مجتمع رسیدگی به امور مفاسد اقتصادی فرستاده شد. در آنجا بود که با ادامه تحقیقات، چند نفر از آشنایان وی بازداشت شدند. بررسی ها حکایت از آن داشت که حاجیان بخش عمده ای از اموالش را به نام نزدیکانش کرده است. حتی نمایشگاهی که در ظاهر متعلق به یکی از نزدیکان او و مملو از خودروهای خارجی بود پلمب و اموال داخل آن توقیف شد. این ابتدای راه بود و هر چه بررسی ها ادامه پیدا می کرد جزئیات تازه تری از زندگی این وکیل دادگستری مشخص می شد اما همچنان معلوم نبود که چه کسی و با چه انگیزه ای او را به قتل رسانده است. حالا با گذشت ۵ سال اسرار قتل حاجیان همچنان سر به مهر باقی مانده است.

والد قتل سحر کوچولو

از ۲۲ آبان ماه سال ۱۳۷۵ و قتل دختر ۸ ساله ای به نام سحر در شهرک محلاتی تهران پلیس ۱۵ مظنون را شناسایی کرد اما با وجود گذشت ۲۸ سال هنوز این معما راز گشایی نشده است. وقتی خانه مرد کارخانه داری در شهرک محلاتی در میان شعله های آتش سوخت و امدادگران پس از ساعتی آن را خاموش کردند، ابتدا ماجرای یک سرت حرقه ای و آتش سوزی عمدی پیش روی مأموران قرار گرفت. مرد کارخانه دار که در زمینه تولید پوشاک فعالیت داشت ادعا کرد پیش از آتش سوزی در حالی که هیچ کس در خانه اش نبود قفل شکسته شده و با سرت پوشاک و پول هایش آنجا به آتش کشیده شده است. هنوز غروب نشده بود که مرد کارخانه دار وحشت زده از گم شدن دختر ۸ ساله اش به نام سحر خبر داد و با نگرانی ادعا کرد احتمال می دهد دختر خردسالش از سوی همان عاملان آتش سوزی به گروگان گرفته شده باشد. تحقیقات ابتدا نشان داد که سحر کوچولو از وقتی صبح روز حادثه خانه را برای رفتن به مدرسه ترک کرده دیگر برنگشته است به خاطر همین راننده سرویس مدرسه تحت تحقیق قرار گرفت. ظهر روز ۲۵ آبان ماه سال ۱۳۷۵، سه دانش آموز مدرسه پسرانه در خیابان منصور تهران یک نایلون سیاه رنگ دیدند و از روی کنجکاوای گره آن راز باز کردند. باور کردنی نبود، سر یک دختر بچه داخل آن جاسازی شده و پسران دانش آموز یا فریاد بلندی به عقب دویدند و با جمع شدن زنان و مردان دور این نایلون خون لود سریع پلیس را در جریان قرار دادند. ساعتی نگذشته بود که مشخص شد سر دختر متعلق به سحر کوچولو بوده و این دختر بچه قربانی سر نوشتی شوم شده است. در حالی که هیچ گاه دیگر اندام های بدن سحر کوچولو پیدا نشد، پلیس تجسس های خود را روی آشنایانی متمرکز کرد که می توانستند انگیزه هایی برای انتقام جویی و سرت داشته باشند و چون سحر کوچولو آنان را می شناخته، باید کشته می شد. در این پرونده چند نفر بازداشت شدند و تحت بازجویی قرار گرفتند اما در ادامه بی گناهی همگی ثابت شد تا با گذشت ۲۸ سال راز این جنایت نیز همچنان سر به مهر باقی بماند.



جنایت زری پول

مدیریت



ساعت ۲۲ و ۳۰ دقیقه شامگاه چهارشنبه ۱۳ دی ماه سال ۱۳۸۵، با مرگ دختر ۲۳ ساله ای به نام سونا روی تخت بیمارستان، پلیس خود را در برابر جنایتی دید. کار آگاهان جنایی در بررسی های تخصصی پی برده بودند سونا دقیقی پیش از جنایت، در میدان کاج از نامزدش جدا شده و سوار بر خودروی مسافرکش پیکان کرم رنگی شده بود که زنی در صندلی جلو و مردی در صندلی عقبش نشسته بوده است و می خواسته به خوابگاه دانشجویی در پل مدیریت برود. تحقیقات نشان داد که هیچ چیز از دختر جوان به سرقت نرفته است و وی در مسیر همیشگی دانشگاه به خوابگاهش مورد هدف قرار گرفته است. وقتی هیچ سر نخ از چگونگی قتل سونا به دست نیامد، کارشناسان جنایی در جست و جوی انگیزه، خود را در برابر دو فرضیه اصلی دیدند. در نخستین فرضیه با توجه به اینکه سونا با یک ضربه چاقو از پای آورده بود و آثاری از جراحات سطحی نیز در بدنش دیده می شد، کار آگاهان وی را قربانی یک سرت قتل نامک دانستند. بررسی ها نشان می داد که محل خوابگاه وی در دهونک بعد از پل هوایی تقاطع مدیریت و چمران است یعنی در سوی مخالف پیدا شدن جسد قرار دارد و از سوی دیگر مشخص شد که پیکان کرم رنگ جزو خطی های همیشگی میدان کرم به پل مدیریت نیز نبوده است. با این اطلاعات به نظر رسید که سر نشینان پیکان مسافرکش با استفاده از زن همدست که در صندلی جلونشسته بود با جلب اعتماد مسافر زن که همان «سونا» باشد او را به خلوتی اطراف پل مدیریت کشانده اند و چون وی از خود دفاع کرده است با ضربه چاقو وی را مجروح کرده اند و چون دستپاچه بوده اند، بدون سرت وی را از خودرو بیرون انداخته و گریخته اند. از نخستین روزهای جنایت، گروهی از کار آگاهان بسر این عقیده بودند که نحوه جنایت نشان می دهد قاتل با نقشه قبلی و شناخت از مسیر بازگشت سونا به خوابگاه دانشجویی، وی را تعقیب کرده و در تاریکی سونا را از پشت سر مورد حمله قرار داده است. همین باور، نشان داد قاتل آشنا بوده و حتما کینه ای از سونا داشته است. حالا ۱۸ سال از وقوع این جنایت می گذرد و همچنان عامل این جنایت ناشناس باقی مانده است.